

بایسته‌های فرهنگی پیشرفت؛ بررسی الزامات فرهنگی در الگوی اسلامی -

ایرانی پیشرفت

سیدمحمدجواد قربی^۱

چکیده:

کاربست راهبردهای توسعه در ایران، به عهد پهلوی باز می‌گردد و این برنامه‌های متنوع توسعه نتوانسته اند ارمغانی مطلوب و حقیقی را برای جامعه‌ی ایرانی مهیا سازند. نگاه صرفاً تقلیدی به برنامه‌های توسعه غربی، عدم کارآمدی الگوهای پیشرفت غیر بومی، ظرفیت‌های مناسب داخلی برای ایران، درخواست‌های مکرر مردم برای کسب نیازهای واقعی، وجود نیروهای انسانی و سرمایه‌های اجتماعی کارآمد، پیشرفت‌های ایرانیان در سطوح و عرصه‌های مختلف، افزایش سطح نخبگان و شرایط مناسب فرهنگی، زمینه‌های تدوین الگوی پیشرفت بومی و ضرورت‌های تحقق آن را توجیه می‌نماید. با تعمق و مذاقه در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت می‌توان به اهمیت مسائل فرهنگی و اجتماعی در این الگو پی برد و وجود دو فرهنگ اسلامی و ایرانی‌دین‌دنه و ساختار این الگوی بومی پیشرفت، نشان‌دهنده اهمیت مباحث فرهنگی در جریان شناسی الگوی پیشرفت می‌باشد و حرکت به سوی پیشرفت اقتصادی و سیاسی، بدون تلاش‌های فرهنگی و مهیاء نمودن الزامات و شرایط فرهنگی مناسب امکان‌پذیر نخواهد بود. این پژوهش با بهره‌گیری از روش توصیفی-تبیینی خواهان پاسخ‌دهی به این سوال اساسی است که الزامات و شرایط فرهنگی مناسب برای تحقق بهتر الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت کدامند؟

کلیدواژه‌ها: الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، فرهنگ، ترکیب شناسی الگو، الزامات و ضرورت‌ها

مقدمه:

تاملی بر نحله‌های مختلف فکری نمایانگر آن است که توجه صرف به مظاهر فیزیکی از اقتصاد و ناخشنودی از وضع موجود اجتماع ضرورت بازخوانی مفهوم عدالت را ایجاد کرد و منجر به ارائه تعریفی مکانیکی از آن تحت عنوان تساوی و پیدایش مفهومی به نام «پیشرفت» شد. در این راستا، طراحی و تدوین الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت برآمده از نیازها و خواست‌های جامعه ایرانی است و منبعث از فرهنگ ارزشی و اسلامی است. (قربی، ۱۳۹۱: ۶۲) این فرهنگ اسلامی و ایرانی زمانی در یک جامعه می‌تواند نقشی اثرگذار داشته باشد که در چارچوب فرهنگ بومی، ملی و ارزشی همان جامعه عمل کند و نه اینکه به مانند زائده‌ای اجباری بوده و متعلق به مختصات فرهنگی جامعه مد نظر نباشد.

علاوه بر این، رنگ و بوی تحول را تنها جوامعی به خود می‌گیرند که تحول و پیشرفت، محصول نیاز و ظرفیت‌های طبیعی و تاریخی آن جامعه باشد. عدم تطابق فرهنگ پیشنهادی با مختصات هویتی جامعه و فقدان بسترهای مناسب برای اجرای آن نه تنها باعث پیشرفت نیست بلکه به تحیر، سردرگمی و بحران‌های مختلف نیز منجر می‌شود. مولفه اساسی در هویت و فرهنگ ایرانی باعث بی‌نتیجه ماندن هرگونه طراحی الگوی مناسب خواهد بود. (امیر سالاری، ۱۳۹۱: ۱۴۹). به همین دلیل است که ایده پردازی الگوی اسلامی

ایرانی پیشرفت براساس مقتضیات جغرافیایی و فرهنگی مطرح گشته است. به عبارتی در عملیاتی کردن این الگو باید به برخی از ملاحظات توجه کرد که از آن جمله است؛ توسط متخصصان ایرانی طراحی شود، برآمده از بطن نیازهای بومی باشد، ارزش های اسلامی در آن حاکم باشد و برنامه ریزی برای پیشرفت باید به ابعاد مادی و معنوی به صورت توأمان توجه شود. (موسوی و قربی، ۱۳۹۱: ۳۵). مباحث فوق بیانگر اهمیت فرهنگ و مشتقات آن در الگوی بومی پیشرفت است. مقام معظم رهبری در خصوص اهمیت و نقش فرهنگ در امر توسعه و پیشرفت می فرماید:

« اگر ما روی فرهنگ عمومی کار نکنیم، در توسعه ی اقتصادی هم خواهیم ماند. این تازه در صورتی است که ما محور را توسعه ی اقتصادی بگیریم. البته در جامعه اسلامی، محور این نیست، توسعه اقتصادی وسیله است. به هر حال از هر طرف که حرکت کنیم می بینیم که به فرهنگ می رسیم و راهها واقعاً به فرهنگ ختم می شود و برای فرهنگ باید کار کرد.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۶۹/۹/۱۹)

۱- چارچوب مفهومی؛ الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت

بدون داشتن نقشه راه و الگویی جامع و پیشرو، جبران عقب ماندگی تمدن اسلامی از آن جایگاه ها و موقعیت های ممتاز گذشته و دست یابی به عزت و اقتدار نظام اسلامی ممکن نخواهد بود. به تعبیر و تدبیر مقام معظم رهبری، مساله اساسی این است که حرکات و تصمیمات نا متوازن و گاه متناقض دولت ها، هزینه ی بسیار سنگینی برای نظام و مردم به وجود آورده است. لذا این الگو می تواند، هماهنگ کننده نظام تصمیم گیری و مدیریتی کشور باشد و بحث الگوی پیشرفت، حرکتی پیشرو در تاریخ انقلاب اسلامی و ملت ایران خواهد بود. البته این الگو از طرفی بر مبانی نظری و فلسفی اسلام و مبانی انسان شناختی اسلام استوار است که پیشرفت مادی را به عنوان وسیله مطلوب می داند و هدف را رشد و تعالی انسان می داند و از طرف دیگر، فکر و ابتکار ایرانی آن را به دست آورده است.

الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت همان برنامه ریزی بلند مدت برای یک دوره پنجاه تا صد ساله است؛ چرا که برنامه ریزی عبارت است از «یک جریان آگاهانه انتخاب و تعیین اولویت ها به منظور تصمیم گیری در مورد آوردن آینده به زمان حال، تا بتوان با تعیین هدف های درست و انتخاب مسیر مناسب و تعیین فعالیت های اثربخش جهت تحقق هدف های یادشده، کاری برای آن انجام داد. برنامه ریزی چیزی نیست جزء شناخت دقیق و صحیح وضع موجود در تعیین فرایند رسیدن به وضع مطلوب که در آن باید تعیین کرد چه فعالیت و کاری؟ چگونه و با چه روشی؟ از سوی چه کسی یا سازمانی؟ با کمک چه کسانی یا سازمان هایی؟ در کجا؟ در چه زمانی؟ با چه هزینه ای؟ و با چه ابزار و وسایل و منابعی؟ انجام شود تا از وضع موجود به وضع مطلوب آینده دست یافت. (قربی، ۱۳۹۱) در یک تعریف جامع و مبسوط، الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت را می توان به این شرح تعریف کرد؛

«یک نقشه ی راه کامل و جامع که توسط متفکران ایرانی، تحت تأثیر شرایط تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی، اقلیمی و بومی برای حرکت به سمت کمال معنوی و مادی تدوین می شود و به مثابه سندی بالا دستی و منعطف، از منبع اسلام ارتزاق می کند و در راستای منویات ارزشی قرار دارد.»

۲- ترکیب شناسی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت:

با بررسی ابعاد چهارگانه این اصطلاح، به درستی می‌توان به کنه و ماهیت این الگو دست یافت. این اصطلاح ترکیبی از چهار واژه اساسی «الگو، اسلامی، ایرانی و پیشرفت» می‌باشد.

۲-۱. مفهوم شناسی الگو در این ترکیب اصطلاحی:

یک مدل یا الگو، معرفی یا تشریح است که برای نشان هدف اصلی یا کارکردی یک موضوع سیستم یا مفهوم در نظر گرفته شده است. مدل‌ها می‌توانند دو نوع کارکرد توضیحی را که اساساً متفاوتند انجام دهند: از یک سو یک مدل می‌تواند توضیحی از یک بخش انتخاب شده از جهان باشد و بسته به طبیعت هدف، اینگونه مدل‌ها، یا مدل‌های پدیده‌ها هستند یا مدل‌های داده‌ها. از سوی دیگر یک مدل می‌تواند یک نظریه را توضیح دهد، از این جهت که قوانین و اصول موضوعه آن را تفسیر کند. این دو مانعاً الجمع نیستند؛ زیرا مدل‌های علمی می‌توانند هر دو کارکرد را در یک زمان داشته باشند. بدیهی است این مفهوم از الگو یا مدل نمی‌تواند در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مقصود باشد زیرا این الگو برای توصیف و تبیین وضع موجود در ایران نیست بلکه برای تغییر و اصلاح آن است. آنچه تناسب بیشتری با الگوی پیشرفت دارد، مدل‌های نظریه‌ای است زیرا ما نیز درصدد تبیین یک نظریه هستیم با این تفاوت که نظریه اسلامی-ایرانی پیشرفت به تبیین یک واقعیت یا پدیده و سیستم خارجی نمی‌پردازد، بلکه اهداف و راهبردهای پیشرفت بر اساس احکام و آموزه‌های اسلامی و مطابق با شرایط ایران را تبیین می‌کند. الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، یک الگوی نظریه‌ای با کارکرد هنجاری است؛ یعنی ساختاری است که به توضیح نظریه اسلامی-ایرانی پیشرفت، که باید ایجاد شود، می‌پردازد. این الگو می‌تواند به زبان ریاضی یا منطقی ارائه شود و لازم است که در آن از روش‌های علم امروز برای توضیح امور پیچیده استفاده شود. این روش‌ها از قبیل تجرید، ساده‌سازی و توجه به عوامل مهم و طبقه‌بندی و تقسیم امور و مانند آن است. نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت به صورت و تجربه است و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت هر ساختار است که به تفسیر این نظریه می‌پردازد به گونه‌ای که همه جملات نظریه در آن صریح کند و صحیح باشد. (میرمعزی، ۱۳۹۰: ۶۲-۶۱)

۲-۲. مفهوم شناسی اسلام در یک ترکیب اصطلاحی:

واژه اسلامی در بدنه این ترکیب به این معنا است که مبانی نظری، فلسفی و انسان‌شناختی اسلامی بر این الگو تأثیر گذار است و اسلام و آموزه‌های آن یکی از ارکان اصلی آن محسوب می‌شود. (علی احمدی، ۱۳۹۰). مقام معظم رهبری در باب اسلامی بودن الگو می‌فرماید: «این الگو مبتنی بر مبانی نظری و فلسفی اسلام و مبانی انسان‌شناختی اسلام استوار است. به عبارت دیگر غایات، اهداف، ارزش‌ها و شیوه‌های کار همه از اسلام مایه خواهد گرفت. یعنی تکیه‌ی ما به مفاهیم اسلامی و معارف اسلامی است. ما یک جامعه اسلامی هستیم یک حکومت اسلامی هستیم و افتخار ما به این است که می‌توانیم از منبع اسلام استفاده کنیم.... بنابراین اسلامی همه به این معنا است» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۹/۱۰) پس می‌توان بیان داشت که اسلامی بودن الگو علاوه بر این که بخش اصلی آن است بلکه یک سنگ محک برای سنجش کارکردها و اعمال در الگو است و هرگونه عملکرد رفتار و مبادی در تعارض با آن باید اصلاح و ترمیم گردد.

۳-۲. مفهوم شناسی ایرانی در این ترکیب اصطلاحی:

ایران به عنوان یک کشور دارای سرزمینی پهناور، با تاریخی کهن و مردمی با ضریب هوشی بالاتر از میانگین جهانی، از نظر جغرافیایی دارای آب و هوایی متنوع و با دو دریای شمال و جنوب، برخوردار از ذخایر عظیم گاز و نفت، از نظر انسانی دارای زبان مستقل، با سابقه ی طولانی در تأثیر گذاری بر فرهنگ و زبان منطقه ای وسیع از خاورمیانه و شبه قاره هند است. طراحان این الگو باید این ویژگی ها را در الگو مدنظر قرار دهند، از این رو الگو بومی می شود. به علاوه طراحان الگو ایرانی هستند. هر ملتی بخواهد از این الگو سرمشق بگیرد، باید ویژگی های جغرافیایی، انسانی، سیاسی، اقتصادی فرهنگی و فرصت ها و تهدیدهای خود را در اصلاح الگو مدنظر قرار دهد. از واژه ایرانی نباید برداشت نادرست کرد و آن را به معنای مکتب تلقی کرد، زیرا اولاً با اسلام ناب محمدی (ص) که شعار امام رضوان الله علیه بوده ناسازگاری جدی دارد و نوعی التقاط تلقی می شود. ثانیاً چنین برداشتی موجب جدایی انقلاب اسلامی از سایر ملت های جهان اسلام و آغاز شکست انقلاب اسلامی خواهد شد. (مصباحی مقدم، ۱۳۹۰: ۲۲۰). مقام معظم رهبری در خصوص ویژگی ایرانی بودن الگو می فرماید: «شرایط تاریخی، شرایط جغرافیایی، شرایط فرهنگی، شرایط فرهنگی، شرایط اقلیمی، شرایط جغرافیایی سیاسی در تشکیل این الگو تاثیر می گذارد.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۹/۱۰). البته ایرانی بودن الگو به معنای این نیست که از دستاوردها و تجربیات مفید سایر کشورها استفاده نخواهد شد بلکه از تجارت، علوم مفید، معرفت صحیح و سایر اموری که در وادی پیشرفت کمک خواهند کرد نیز استفاده خواهد شد.

۴-۲. مفهوم شناسی پیشرفت در این ترکیب اصطلاحی:

واژه پیشرفت در دنیای امروز مولفه های خاصی را به ذهن مبتادار می سازد زیرا نظریه پردازان غربی برای آن مولفه های خاصی تعریف کرده اند. الگوی اسلامی ایرانی باید ضمن کاویدن زوایای آن، نسبت و موضع دقیق خود را با مولفه های آن روشن سازد و شاید بتوان گفت که مهمترین موضع برای تأمل در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در این بخش است. (مشکات، ۱۳۹۰: ۲۱۶).

پیشرفت عبارت است از؛ فرایند حرکت از وضعیت موجود به سمت وضعیت موجود، تبیین وضعیت مطلوب، راهبرد حرکت از وضعیت موجود به مطلوب. الگوهای پیشرفت دست کم در یکی از این سه با یکدیگر اختلاف دارند و یکی از دلایل اصلی اختلاف نیز جهان بینی حاکم بر این الگوها است، چیزی که از آن با عنوان «متاپارادایم الگوهای توسعه» یاد می شود. (میزمعی، ۱۳۹۰: ۶۱-۶۰) مقام معظم رهبری در تفاوت و تمایز واژه پیشرفت با توسعه غربی می فرماید: «نکته ی اول این است که ما وقتی می گوئیم پیشرفت، نباید توسعه ی به مفهوم رایج غربی تداعی بشود. امروز توسعه در اصطلاحات سیاسی و جهانی و بین المللی حرف رایجی است. ممکن است پیشرفتی که ما می گوئیم با آن چه که امروز از مفهوم توسعه در دنیا فهمیده می شود، وجوه مشترکی داشته باشد اما در نظام واژگانی ما، کلمه ی پیشرفت معنای خاص خودش را داشته باشد که توسعه در نظام واژگانی امروز غرب نایستی اشتباه شود. آنچه ما دنبالش هستیم، لزوماً توسعه غربی با همان مختصات و با همان شاخص ها نیست.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۲/۲۷). پیشرفت مدنظر در این الگو همه جانبه و نگاهی تک بعدی به پیشرفت ندارد. رهبری در این خصوص می فرماید: «مقصود ما از پیشرفت چیست؟ پیشرفت در یک جهت محض نیست. مقصود از پیشرفت، پیشرفت همه جانبه است. از همه

ی ابعاد در کشور این ملت سزاوار و شایسته است: پیشرفت در تولید ثروت ملی، پیشرفت در دانش و فناوری، پیشرفت در اقتدار ملی و عزت بین المللی، پیشرفت در اخلاق و در معنویت، پیشرفت در امنیت کشور، پیشرفت در ارتقای بهره وری.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱/۱/۱۳۸۸)

۳- ناکامی مدل های غربی توسعه و ظهور پارادایم متفاوت

انسان ها به طور معمول دارای الگو یا سرمشق های فکری هستند که خودآگاهانه یا نوحودآگاهانه برای ایجاد ارتباط با دیگران و تجزیه و تحلیل مسائل و نیازها استفاده می کنند. این الگوها حاوی سلسله پیش فرض هایی هستند که تقریباً در مورد همه چیز می توانند باشند و گاهی از سطح حوزه فردی گذر کرده، بر گروه نهادها و جوامع، مسلط و به یک مسئله یا باور اجتماعی تبدیل می شوند. گاهی نیز جوامع دیگر را متأثر کرده و می توانند حتی بر اندیشه عصرها و نسل هایی فراتر مسلط شوند. غالب الگوهای فکری موجود در جامعه ایران، در تلقی جاری در آن نیز می تواند به عنوان یک مسئله اجتماعی فکری بررسی شود.

به عبارت روشن تر، الگوهای فکری نظام های نظری در بردارنده مجموعه ای از مفاهیم، اصول، قضایا، فرضیه ها و البته پیش فرض هایی هستند که چگونگی نگاه به جهان، موضوعات، مسائل، راه حل ها و مرزهای اندیشه را تعیین می کنند و این مسئله را مطرح می کنند که مجاز به طرح چه پرسش هایی هستیم و چگونه باید به آنها پاسخ دهیم. الگوهای فکری هم هنجارهای تفکر و ملاک گزینش را معین می کنند و هم ابزارهایی برای تحلیل مسائل مختلف ارائه می نمایند. (نک: طالبی، ۱۳۷۸: ۳۴۸-۳۱۳). با این وجود، سرخط ورود به تبیین الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت را باید در این بخش جست و جو کرد تا بتوان تحولی عمیق و ماندگار را رقم زد. مسئله مرکزی و اصلی این است که برای تحقق الگوی الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، نیازمند بازخوانی در مبانی اندیشگی هستیم که محور آن، امر مبرم تحول است. پس برای تحقق چنین پیشرفتی، از پیش فرض ها باید آغاز کرد و همین امر نشان از گام نهادن در راه پیشرفت پارادایمی است که عملی معرفت شناسانه و معرفتی درجه دوم است. (آکوچیکان، ۱۳۹۰، ۱۲۰-۱۱۸) پس تحول در پیش فرض ها و پارادایم های مفهوم پیشرفت یک امر ضروری است که ضمن تبیین وضع موجود و نیز وضعیت مطلوب مورد نظر در این باب، به راهبردهای تبدیل وضعیت باید توجه شود. به هر حال نقص ها و کاستی های الگوهای رایج توسعه که عموماً غربی هستند، بر ظهور یک پارادایم متفاوت در عرصه توسعه تاثیر گذار است: برخی از این کاستی ها که لزوم طراحی و تدوین یک الگوی بومی مشابه پارادایمی اسلامی- ایرانی را مجاب نموده است به شرح زیر است:

۳-۱. بی عدالتی:

عدالت قدیمی ترین مفهومی است که در تاریخ تمدن انسانی، پیش از پیدایش فکر قانون و قواعد آن، ظهور داشته و بشر همواره آن را آرمان مطلوب خود دانسته است. بنابراین گفتمان اصلی نظام اسلامی، عدالت است و در الگوی پیشرفت اسلامی لازم است نگاه ویژه به عدالت معطوف شود زیرا دوام و بقای اجتماعات و سعادت انسانها در گروه وجود عدالت و فعلیت یافتن آن در امور مردم است. (قربان نیا، ۱۳۹۰: ۱۹۷) اما در الگوی های غربی، به امر عدالت توجهی نمی شود، همانگونه که مقام معظم رهبری فرموده اند: «نظام های سرمایه داری در دنیا، دنبال آبادی، عمران و پیشرفت علم و صنعت در کشورهای خود رفتند. بدون این که به

اصل عدالت اجتماعی، اهتمام قابل اعتنایی داشته باشند. البته خیلی از آن هدف‌ها را توانستند کسب کنند؛ اما در زندگی شان سعادت‌مند نشدند و در آن کشورها دردهای بشریت تمام نشده است. ثروتی که در آن جامعه است عده‌ای از افراد جامعه را برخوردار کرده است اما نتوانسته‌اند تبعیض را برطرف و عدالت اجتماعی را برقرار کنند.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۱/۲۹)

۲-۳. رواج بی بند و باری:

در الگوی سرمایه‌داری، همه چیز قابل خرید و فروش است و براساس اصول قدیمی این الگو، باید پست‌ترین گرایز بشر را برای تجارت هدف قرار داد و حتی رفتار اجتماعی را براساس آن بنیان نهاد. بر همین اساس است که تجارت فحشا با گردش مالی بسیار بالا به یکی از سودآورترین تجارت‌های امروز سرمایه‌داری تبدیل می‌شود و حجم بسیار بالای گردش مالی را فارغ از برخورد قانونی واقعی در اختیار دارد. (نصراللهی، ۱۳۹۰: ۷۵). مقام معظم رهبری در خصوص رواج فساد و فحشا به مثابه یکی از دستاوردهای توسعه غربی می‌فرماید: «اینکه فلان کشور پیشرفت علمی دارد دلیل رستگاری آن کشور و آن ملت نیست. بسا ملتی که از لحاظ علمی، امروز در اوج هستند اما تا خرخره در لجن و فساد غوطه می‌خورند. همین الان در دنیا با نام‌های بزرگ و زیر چتر ابر قدرتی، چنین ملت‌هایی زندگی می‌کنند. در آن کشورها زن سیه‌روز است، مرد بیچاره است، جوان نابود شده است. دست‌های فساد و فحشاء، اعتیاد، جنایت و همه‌ی فنون بدبختی بشر، در آن جا قتل عام و بیداد می‌کند، منتها پوشش تبلیغاتی نمی‌گذارد این فجایع و مفاصد بر ملا شود.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۲/۶/۱۴)

۳-۳. رفاه زدگی و دوری از معنویات:

قاعده ترغیب مردم به مصرف بیشتر و بهره‌برداری غیر مسولانه از طبیعت صرفاً با پذیرش هدق کسب حداکثر سود قابل توجیه است. تنها ترغیب مردم به مصرف هر چه بیشتر است که ضامن بقای سود حداکثری واحد اقتصادی است. (نصراللهی، ۱۳۹۰: ۷۸). این مصرف‌زدگی و رفاه‌طلبی محصول نوعی دنیاگرایی و دوری از ارزش‌های معنوی است که بر دامنه‌های مادی‌گرایی صرف افزوده است. مقام معظم رهبری در خصوص بی‌توجهی غرب در عرصه توسعه به معنویات و ارزش‌ها می‌فرماید: «در یک جامعه رو به رشد و دارای آرمان‌های والای علمی، اجتماعی و دنیایی، اگر یک جریان متنفذ فرهنگی وجود داشته باشد که تلاش‌ها و حرکت این جامعه را هدایت کند، این جامعه به خیر و صلاح و فلاح خواهد رسید اما اگر یک چنین جریان فرهنگی دینی الهی و معنوی در جامعه در حال رشد و توسعه علمی وجود نداشته باشد، نتیجه همان چیزی می‌شود که شما امروز در جوامع پیشرفته غربی دارید مشاهده می‌کنید. هر چه پیشرفت بیشتر است، دوری از صلاح، انسانیت و عدالت هم بیشتر است. آمریکا کشوری است دارای ثروت و قدرت افسانه‌ای نظامی و تحرک سیاسی فوق‌العاده، اما اوج دوری از انسانیت و معنویت و اخلاق و فضیلت را شما در همین جامعه آمریکا می‌بینید که قبل از این در هیچ جامعه‌ای دیده نشده است. ... شما بدانید وحشیگری اخلاقی جوامع مترقی و متمدنی که از معنویت بویی نبرده‌اند روز به روز بیشتر خواهد شود و همین وحشیگری لغزشگاه بزرگ تمدن غربی امروز است و آنها را سرنگون خواهد کرد.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۳/۲۱)

۳-۴. انسان گرایی محض:

یکی از ویژگی های بارز الگوهای رایج توسعه و سرمایه داری در غرب، نگاه تک بعدی به مسئله انسان است. این الگوها انسان را تک ساختی می دانند و به همین خاطر به بعد مادی انسان تاکید دارند و تمامی برنامه ریزی آنها مربوط به امور این دنیایی می گردد. مقام معظم رهبری علاوه بر اینکه بر انسان به عنوان محور توسعه غربی و پیشرفت انسانی تاکید دارند اما بر تمایز میان آنها اشاره می نمایند (خامنه ای، ۱۳۹۰: ۷۴) و می فرمایند؛ «انسان در الگو و نگاه اسلامی، موجودی است هم طبیعی و هم الهی، دو بعدی است. اما در نگاه غربی، انسان یک موجود مادی محض است و هدف او لذت جویی، کامجویی، بهره مندی از لذت زندگی دنیاست، که محور پیشرفت و توسعه در غرب است، انسان سودمحور. اما در جهان بینی اسلام، ثروت و قدرت و علم، وسیله اند برای تعالی انسانی. در آن جهان بینی غربی، ثروت و قدرت و علم هدفند. انسانها تحقیر بشوند، ملت ها تحقیر بشوند، میلیون ها انسان در جنگ ها لگدمال بشوند و کشته بشوند، برای اینکه کشوری به قدرت یا به ثروت برسد یا کمپانی هایی سلاح های خودشان را بفروشند ایرادی ندارد. بنابراین، آن چیزی که ما به آن نیاز داریم، این است که نقشه ی پیشرفت کشورمان را بر اساس جهان بینی اسلام برای این انسان، انسان در منطق اسلام، فراهم و تهیه کنیم.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۲/۲۷) علاوه بر مواد فوق، می توان به شیوع جنایت، استعمار، نبود دموکراسی واقعی، نبود آزادی واقعی، زوال عاطفه و غیره به عنوان ناکامی های مدل غربی توسعه اشاره کرد. (سیاهپوش، ۱۳۹۰: ۴۳-۳۱) البته باید توجه داشت که مدل های غربی توسعه با توجه به ساختارها، توانایی ها، ظرفیت ها و شرایط فرهنگی آن کشورها تدوین شده است و الزامات کافی برای پیاده سازی در کشورهای شرقی و اسلامی را ندارد، پس اتخاذ یک الگوی بومی پیشرفت برای کشورهای در حال پیشرفت و علی الخصوص ایران، الزامی و حیاتی است.

۴- الزامات الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت:

الگوی پیشرفت منتج از نظریه توسعه است که آن نیز به نوبه خود برگرفته از دیدگاه اسلام در مورد مسائل اصلی جهان است. همچنین الگوی پیشرفت به منظور قابلیت اجرا پیدا کردن، به شکل برنامه های توسعه اقتصادی در ظرف مکانی ایران است. این امور موجب می شود که الگوی پیشرفت اسلامی با الزامات و ضرورت هایی مواجه باشد. در این قسمت به برخی از این ضرورت ها اشاره می شود:

الزامات اجتماعی: تقویت مناسبات اجتماعی، روابط خانوادگی و نهادهای اجتماعی ایرانی اسلامی.

الزامات سیاسی: ارتباط ارگانیک الگوی پیشرفت اقتصادی با نظام سیاسی، مشارکت مردم در فعالیت ها،

جایگاه و سطح مشارکت مردم در فعالیت های سیاسی.

الزامات نهادی: طراحی نهادهای تسهیل کننده فعالیت های اقتصادی مانند نهاد دولت، بازار و قانون.

الزامات اقتصادی: طراحی نظام انگیزشی فعالیت های اقتصادی از طریق تسهیل فعالیت ها و تشویق کار آفرینی.

الزامات علمی: طراحی نظام خلق و انتشار دانش، نوآوری و به کارگیری آن در عرصه فعالیت های

اقتصادی.

الزامات اسناد فرداست: الگوی مورد بحث باید هم راستا با اسناد فرادست کشور مانند قانون اساسی و

غیره باشد.

الزامات فرهنگی: تعیین و ارتقا جایگاه باورها، آداب و سنن اسلامی- ایرانی و غیره. (سلیمی فر، ۱۳۹۰: ۵۶-۵۵) البته در ادامه بحث به الزامات فرهنگی در الگوی پیشرفت به شکل مبسوط تری اشاره خواهد شد.

الزامات فرهنگی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت:

«وقتی بحث از الگوی پیشرفت یک کشور مطرح می شود، پردازش آن می بایست از جهات مختلفی صورت گیرد. از یک سو محور این الگو فرهنگ آن ملت و اهداف فرهنگی آن است و از سوی دیگر اقتضانات فرهنگی برآمده از ویژگی های جغرافیایی، تعاملات جهانی، معادلات بین المللی و همچنین سطح پیشرفت آن کشور است که باید مد نظر قرار گیرد.» (بنیانیان، ۱۳۸۹)

الگوی توسعه غربی به فرهنگ بی توجه نبود، بلکه آن بخش از فرهنگ که برای توسعه ضروری است را وجهه همت قرار داده و با تلاشی فراگیر به اصلاح آن در راستای مدل توسعه مورد نظر اقدام کرد. برای مثال، پیشرفت اقتصادی بدون از میان بردن مفاسدی نظیر رشوه، دروغگویی، تقلب و منهای درونی سازی عناصری مانند سخت کوشی، وجدان کاری، صداقت و اعتمادسازی، امکان پذیر نیست. به همین منظور در جوامع توسعه یافته غربی، بدون دخالت در عرصه خصوصی زندگی افراد، آن مقداری که به اقتصاد مربوط نبود، به اصلاح اخلاق اجتماعی در محورهای فوق همت گماردند. بنابراین معلوم می شود که الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت باید به مقوله فرهنگ توجه ویژه مبذول دارد، چرا که الگوی غربی توسعه، وقتی در کشورهای اسلامی وارد می شود بیش از هر چیز فرهنگ را تحت تاثیر قرار می دهد. (علاسوند، ۱۳۹۰: ۱۹۶-۱۹۵) مقام معظم رهبری به نقش فرهنگ و تلاش فرهنگی در امر خطیر پیشرفت اشاره داشته اند و آن را از عوامل اصلی پیشرفت اقتصادی محسوب کرده اند: «اگر ما بخواهیم توسعه اقتصادی را به معنای صحیح کلمه در جامعه راه بیندازیم، احتیاج به تلاش فرهنگی داریم. مادامی که حتی محقق و جست و جوگر علمی ما، آن فرهنگ کار و وجدان کار و عشق به کار را، آن چنان که در یک فرهنگ سالم مطرح است، که مظهر عالیش هم فرهنگ اسلامی است، نداشته باشد وجود این محقق بی فایده خواهد بود... ما چگونه می توانیم روح کار، جدیت در کار، وجدان کار، پیگیری کار و سلامت کار را در طرح های توسعه اقتصادی خودمان در نظر بگیریم، بدون اینکه فرهنگ عمومی جامعه را بالا ببریم و فرهنگ کار و معلومات مربوط به کار را به آنها تزریق کنیم؟ پس می بینید که به فرهنگ برگشت. اگر ما روی فرهنگ عمومی کار نکنیم در توسعه اقتصادی هم خواهیم ماند. این، تازه در صورتی است که ما محور را توسعه اقتصادی بگیریم البته در جامعه اسلامی، محور این نیست. به هر حال، از هر طرف که حرکت می کنیم، می بینیم که به فرهنگ می رسیم و راه ها واقعا به فرهنگ ختم می شود و برای فرهنگ باید کار کرد.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۶۹/۹/۱۹) ایشان در جایی دیگر به پیوند فرهنگ و پیشرفت، و لزوم وجود فرهنگ برای حرکت به سوی پیشرفت تاکید داشته اند و می فرمایند: «فرهنگ مایه ای اصلی هویت ملت ها است. فرهنگ یک ملت است که می تواند آن ملت را پیشرفته، عزیز، توانا، عالم، فناور، نوآور و دارای آبروی جهانی کند. اگر فرهنگ در کشوری دچار انحطاط شد و یک کشور هویت فرهنگی خودش را از دست داد، حتی پیشرفت هایی که دیگران به آن کشور تزریق کنند نخواهند توانست آن کشور را از جایگاه شایسته ای در مجموعه بشریت برخوردار کنند و منافع آن ملت را حفظ کند... فرهنگ ستون فقرات حیات یک ملت و هویت یک ملت است.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۲/۲۸) بحث های فوق به تاثیر و اهمیت فرهنگ در پیشرفت کشور اشاره دارد اما فرهنگ کارآمد در مسیر پیشرفت نیازمند الزاماتی

است و علاوه بر آن یک سلسله الزامات فرهنگی هم برای پیشرفت نیاز است که به برخی از آنها اشاره خواهیم کرد:

۵-۱. احیای ارزش های اساسی:

یکی از الزامات اساسی فرهنگ در راستای الگوی پیشرفت، توجه به ارزش ها و احیاء آنها است و باید سعی نمود در مسیر حرکت به سوی پیشرفت، از ارزش ها صیانت نموده و به تقویت آنها مشغول شد. از آنجایی که واژه اسلامی بودن در این الگو نشان می دهد ارزش ها و مباحث ارزشی در الگوی پیشرفت جایگاهی مهم دارند و تلاش مسئولان و سردمداران اجرایی کشور باید این باشد که از ارزش های اساسی صیانت نمایند و ارزش های در معرض فراموشی و یا ارزش های در معرض خطر تهاجم فرهنگی را تقویت و آنها را احیا نمایند. از سوی دیگر از آنجایی که یکی از اهداف اساسی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تحقق ارزش ها و اهداف الهی است پس احیای این نوع ارزش ها از لوازم اساسی موفقیت الگوی فوق می باشد. رهبری در خصوص هدف بودن ارزش ها می فرماید: «باید برای خدا حرکت کرد و در چارچوب اهداف الهی تلاش نمود. آدم بایستی تلاش کند، زحمت بکشد، کار بکند، والا وجود او بی فایده است. این همه کشور در دنیا هست. بعضی آباد و بعضی ویران، اما آنچه که ما دنبالش هستیم تحقق ارزش ها و اهداف الهی است. ارزش های عمده ای برای ما وجود دارد که باید دنبال آنها باشیم. باید آرمان ها و اهداف انقلاب را با قیام الله تامین کنیم.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۱۱/۱۹).

زمانی که ارزش ها در یک نظام سیاسی حائز اهمیت می گردند و در راس حوائج ملت قرار می گیرد مسئولان هم در فرایند پیشرفت باید تمام تلاش خویش را برای احیای ارزش های اسلامی به کار ببرند و غفلت از ارزش ها در امر سازندگی و پیشرفت، مشکلاتی را به بار خواهد آورد. (موسی پور و کرامتی، ۱۳۸۴: ۱۶۰). رهبری در خصوص توجه به ارزش های معنوی در جریان حرکت به سمت پیشرفت و غفلت از آن هشدار می دهند و می فرمایند: «ما در تمام این کار بزرگی که بر عهده داریم در مراحل گوناگون آن بایستی از اهداف و ارزش های متعالی نظام اسلامی یک لحظه غفلت نکنیم اگر سازنده ما، با غفلت از آن اهداف انجام بگیرد، خوف انحراف این کار از آن اهداف وجود دارد چون ما انسان و بشر هستیم. اگر اندکی غفلت کنیم، ممکن است که از صراط مستقیم به سمت چپ و راست منحرف بشویم... تلاش زیادی هم می کنیم و این تلاش ها بایستی بازهم حتی مضاعف بشود و ان شاء الله با قوت و قدرت این حرکت هایی که شماها شروع کرده اید و بعضاً به نتایج خوبی رسیده است، به نتایج نهایی برسد، لیکن در تمام این مراحل بایستی آن ارزش های معنوی در نظر باشد که اگر نباشد آن وقت آن نظام الهی و قدرت سازندگی اسلام و دین و قدرت اداره یک ملت و یک کشور به وسیله احکام الهی را معرفی می کند و نشان بدهد.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵/۶/۸). بنابراین ارزش ها و امور پیشرفت نه تنها با هم تعارض ندارند بلکه در عین حال هر چه ارزش ها بیشتر حاکم شوند، پیشرفت فزونی خواهد یافت و رهبری در این خصوص می فرماید: «هر چه ما ارزش ها را بیشتر پیاده و اعمال کنیم، جامعه ی اسلامی عزیزتر خواهد شد، ملت اسلام قوی تر خواهد شد و در همه ی مراحل حیات پیشرفت ما بیشتر خواهد شد... در چنین زمانی آنچه می تواند شما را موفق کند، کشور را آباد کند، ملت ایران را در صحنه نگه دارد و همه نیروها را در راه این سازندگی مقدس بسیج کند دودستی چشیدن به ارزش های اسلامی است.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۳/۳/۸).

۲-۵. نفی بی‌اعتمادی و افزایش روحیه خودباوری:

حرکت یک نظام سیاسی به سوی پیشرفت و تکامل نیازمند به روحیه خودباوری و اعتماد به خویش است. به عبارتی دیگر، تا زمانی که آحاد یک جامعه و حاکمان آنها دارای اعتماد به نفس کافی و خودباوری نباشند طراحی و اجرایی کردن یک الگوی بومی پیشرفت غیرممکن خواهد بود و محکوم به شکست است. ملتی از توانائی پیشرفت و تحولات برخوردار است که انگیزه و روحیه کافی داشته باشد و به این نکته که از توانایی برخوردار هستند ایمان داشته باشد و پیشرفت را از غیر طلب نکند. مقام معظم رهبری در خصوص خودباوری و روحیه ایمان به خود و تأثیرش بر پیشرفت معتقد هستند که خودباوری از الزامات حرکت به سوی پیشرفت مادی و معنوی است و می‌فرمایند: «راز حرکت و پیشرفت یک ملت به سمت عروج معنوی و مادی همین است. اول باید به خود ایمان بیاورد و خوباختگی را کنار بگذارد. اگر به خود اعتقاد پیدا کرده و احساس نمود که، به آقا بالاسری از ملت‌ها و دولت‌های بیگانه نیازی ندارد و خود را در مقابل آنها کوچک و حقیر و ناچیز نداند، راه پیشرفت در مقابلش باز می‌شود... یک ملت و یک جمعیت هنگامی که به ارزش‌های بنیادی بومی خود واقف بشود، استعدادهای خود را بشناسد، ارزش‌های اخلاقی و انسانی خود را بداند، مغلوب حوادثی که برای او درست می‌کنند، نمی‌شود. آینده در برابر چنین جمعیت و ملتی، آینده‌ی روشنی است.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۸/۲۰) بنابر این، یکی از ارزش‌های مهم و اساسی در عرصه فرهنگی، روحیه اعتماد به خویش است که یک رابطه عمیق با پیشرفت دارد و هر چه بر غنای آن، در میان مردم و مسئولان گسترش یابد بر میزان پیشرفت افزوده می‌شود. رهبری در این خصوص می‌فرمایند: «آن چیزی که در زمینه مسائل ارزشی باید در همه بخش‌ها مورد توجه قرار بگیرد، مسئله اعتماد به نفس مدیران و مسئولان کشور است. این، یک ارزش اساسی انقلاب ما است که اگر این نباشد به نظر من پایه‌های سازندگی کشور متزلزل خواهد شد. تمام مسئولانی که در بخش‌های مختلف کشور مشغول تلاش و کار هستند باید این روح اعتماد به نفس و این فکر که جمهوری اسلامی و ملت ایران و عناصر خودی این کشور قادر هستند کشور را به بالاترین حد اعتدالی مورد نیاز و خواستش برسانند تقویت بشود.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵/۶/۸) بنابراین اعتماد به نفس و خودباوری از زمینه‌های اساسی حرکت به سوی تحولات در هر کشوری است و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت برای تحقق نیازمند این ویژگی بارز و کارآمد است و هر چه بر میزان خودباوری افزوده شود، سطوح بالاتری از موفقیت برای الگو مهیا می‌شود.

۳-۵. کاهش دادن سطح فساد در جامعه:

یکی از الزامات تحقق پیشرفت برای یک حکومت، عدم وجود فساد در آن نظام است و هر چه نظام و بدنه دولت از فسادهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بکاهد راه برای حرکت به سمت تعالی و پیشرفت عدالت محور هموارتر می‌گردد. البته در عرصه الزامات فرهنگی تحقق الگوی پیشرفت، بیشتر فسادهای اخلاقی، اباحی‌گری اعتقادی و علمی مد نظر است که می‌تواند یک ملت را از جریان اصلی خویش دور کند و به وادی انحطاط سوق دهد.

مقام معظم رهبری در خصوص فساد و اباحی‌گری هشدار داده‌اند: «یکی از چیزهایی که دشمن به طور جدی در کشور تبلیغ می‌کند مسئله اباحی‌گری است. اباحی‌گری اعتقادی و عملی، یعنی پایبندی‌ها و تقیدات و تکیه‌گاه‌هایی که یک انسان را در حرکت خود به سمت هدف مشخصی عازم و مصمم می‌کند، از

او گرفتن و او را سرگردان و لنگ کردن. این را باید جدی بگیرید. یکی از سیاست های دشمنان اسلام این است که ایمان مردم را بگیرند و اعتقاد آنها به انقلاب را سلب کنند..... همه باید مسائل فرهنگی را جدی بگیرید. اینها چیزهایی است که مسئولان کشور باید به آن خیلی توجه کنند» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰/۵/۱۱). پس برای اینکه جوانان و کارگزاران بتوانند به الگوی پیشرفت مطلوب دست یابند باید شادابی، نشاط و روحیه در آن ها به وفور یافت شود و از فساد و فحشا که سبب به حاشیه رانده شدن کارگزاران است، مهار و کنترل کرد تا مسائل حاشیه ای نتوانند بر امور اصلی تاثیر بگذارند. رهبری در این خصوص می فرماید: «جوان یک کشور اگر بخواهد مثل موتور پیش برنده ای، آن ملت را پیش برد احتیاج دارد به اینکه سرحال، بانشاط، تندرست، قوی و دلبسته ی به کار و پیشرفت باشد. با ترویج فحشاء، با ترویج مواد مخدر، با باندهای هدایت شده، جوان ایرانی را منصرف کنند، جوان ایرانی باید بهوش باشد. امروز اگر مسئولین نظام جمهوری اسلامی با مواد مخدر به سختی مبارزه می کنند این یک جهاد بزرگ، یک حرکت بسیار عمیق در راه پیشرفت ملت ایران است. اینها نمی خواهند جوان ایرانی: در کارگاه، در آزمایشگاه، در دانشگاه، در محیط علمی، در محیط کار، تلاش صنعتی و کشاورزی با نشاط باشد. آن جوانی که سرگرم مسائل شهوانی جنسی باشد یا اسیر مواد مخدر باشد، نه حال کارکردن دارد و نه عزم و اراده ی راسخ و لازم را دارد.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۳/۱۴) پس برای پیشرفت و تحول یک سیستم، نیازمند کاهش فساد و فحشا در سطح کارگزاران، نخبگان و جوانان به مثابه متولیان اصلی الگوی پیشرفت هستیم و باید شادابی، نشاط و کارآمدی در سطح جامعه تزریق گردد.

۴-۵. فرهنگ کار و تلاش مجدانه:

برای اینکه لوکوموتیو الگوی پیشرفت به درستی به حرکت در بیاید، باید متولیان و سازندگان از هیچ گونه کار و تلاشی کوتاهی نکنند و بر همت خویش بیفزایند زیرا با همت و تلاش مضاعف است که پیروزی و موفقیت نسبی یک ملت می شود و این روحیه کار جهادی و همت مضاعف از روزهای آغازین انقلاب اسلامی مشهود بود، همانگونه که رهبری می فرماید: «در نظام جمهوری اسلامی و به برکت انقلاب اسلامی، همه ی تلاش ها، سرعت و کارآیی مضاعفی پیدا می کند. آنچه انقلاب اسلامی به مردم ما داد، فرهنگ جهادی بود. فرهنگ جهادی در همه ی صحنه ها و عرصه ها به کار می آید و در زمینه ی کارهای زیر بنایی کشاورزی و دامداری و امثال اینها هم از اول انقلاب، روح و فرهنگ جهادی وارد میدان شد... این روحیه حرکت عمومی، این دلسوزی، این ورود به صحنه کار و ابتکار، این کمک رسانی انبوه، مخصوص ملتی است که دل او از حرکت جهادی گرم است و جوشش جهادی در دل او وجود دارد.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲/۱۰/۱۴)

البته وجود حرکت و تلاش جهادی در راستای پیشبرد و اعتلای کشور، نیازمند وجود وجدان کاری است که باید به آن اهمیت داده شود. «باید به وجدان کار، وجدان آن وظیفه و مسئولیتی که بر دوش هر یک از افراد شما است، خیلی اهمیت بدهید و آن را احیا بکنید. امروز کار در کشور، بایستی پرتلاش انجام شود و بدون آن وجدان کاری هم نمی شود.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۶۹/۶/۱)

بنابراین وجود پیشرفت در سطوح گوناگون فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، مربوط به گسترش فرهنگ و جوان کاری است که بر میزان تلاش و همت می افزاید و پیشرفت همه جانبه را به همراه خواهد آورد. همانگونه که آمده است: «اگر در کشور، تولید در زمینه ی اقتصادی زیاد شده باشد، اگر کارهای

اجتماعی و اداری و اقتصادی روان و آسان تر شده باشد، اگر اجناس مورد استفاده مردم فراوان تر و در دسترس تر قرار گرفته باشد و اگر کارهایی از این قبیل انجام گرفته باشد، این نشانه این است که وجدان کاری در جامعه ما به طور کامل بیدار شده است. یعنی کار را یک عمل صالح، یک وظیفه حقیقی، یک عبادت و یک مسئولیت اجتماعی و سیاسی تلقی کردند که معنای وجدان کاری هم همین است.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۴/۱/۱)

۵-۵. مسئولیت پذیری و اهتمام داشتن به امور:

یکی از الزامات فرهنگی الگوی پیشرفت، وجود فرهنگ مسئولیت پذیری است، به این معنا که افراد پایبند و متعهد به امور باشند و در قبال کارهایشان مسئولیت آن را بپذیرند و در عین حال مسئولیتی که به آنها محول شده است به نحو احسن انجام دهند و هرگونه سهل انگاری و کوتاهی در امور سبب ناکارآمدی و مشکلات در روند پیشرفت و تحولات مثبت خواهد بود.

مقام معظم رهبری می فرماید: «صداقت و مسئولیت پذیری باید در میان مدیران وجود داشته باشد. هنر یک مدیر این است که مسئولیت پذیری داشته باشد. بر مبنای یک پایه منطقی، کار را انجام دهید و مسئولیتش را هم بر گردن بگیرید. بگویید این کار را کردم، مسئولیتش هم با من است و از مسئولیت نباید هراس داشت. آن چیزی که پیش خدای متعال و پیش مسئولان ارشد نظام و پیش مردم، عذر واقعی شمرده می شود همین است که انسان بگوید من این اقدام را بر این اساس منطقی کرده ام. پس باید یک اساس منطقی قانونی وجود داشته باشد که ملاک هم قانون است، بنابراین هیچ مشکلی نباید وجود داشته باشد.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱/۶/۴) مسئولیت پذیری به عنوان یکی از عناصر مقدماتی در حرکت به سوی تحول مثبت، یک هنر عملیاتی است که باید به عنوان یک شاخص میان مسئولان نهادینه گردد و یکی از ملاک های سنجش مسئولان است. مقام معظم رهبری در این خصوص معتقدند که سه آمادگی و احساس مسئولیت باید وجود داشته باشد که به شرح زیر است: «سه بخش عمده در مسئول وجود دارد، سه آمادگی و احساس مسئولیت. اول اینکه برای نفس کار و عمل، آماده باشد. تنبلی و بی حالی و سهل انگاری و کار را به دست حوادث و قضا و قدر سپردن، اولین بلایی است که ممکن است یک مدیر را از صلاحیت کافی و لازم ساقط کند. چون قبول این کار به معنای این است که تعهد کند و بپذیرد که این کار را به انجام برساند. این بدون کفایت و لیاقت امکان پذیر نیست و این نکته اول است در باب مدیر و مسئول. دوم، مسئله آمادگی و استعداد و تعهد انجام کار است، به همان نحوی که سیاست های کلی و برنامه های اساسی کشور آن را اقتضا می کند. اگر کشوری، سیاست مشخصی را در مقوله ای پذیرفته است، کسی که اجرای بخشی از بخش های کشور را می پذیرد، باید آن را در همان جهت کار و به همان سمت و با همان هدف پیش ببرد و هدایت کند، ولو خود او، آن سیاست را به طور کامل تثبیت نکرده باشد. اگرچه در صورتی که مجری آن سیاست را قبول نداشته باشد معلوم نیست چقدر بتواند این کار را به درستی انجام بدهد..... رکن سوم، حفظ طهارت و تقوا است. حفظ پاکیزگی در عمل است، اجتناب از هر گونه اختلاط با اهداف غیر مشروع یا اهداف غیر مقبول و غیر اخلاقی است و این شان سوم است. مدیر خوب، مدیری است که هر کاری را به عهده میگیرد، با رعایت اصول اخلاقی صحیح انجام بدهد.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۲/۵/۱۲)

۵-۶. فرهنگ مصرف صحیح و پرهیز از تجمل گرایی و اسراف:

یکی از ویژگی های بارز کشورهای پیشرفته این است که آنها در مصرف خود مدیریت و برنامه ریزی دارند و از مصرف بی مورد و تجملی پرهیز دارند و به عبارتی دیگر، کشوری در مسیر پیشرفت موفق است که میزان مصرف و تولیدات خود را کنترل نماید و در عین حال، تجمل گرایی و مصرف کالاهای غیراساسی را کاهش دهد. رهبری در این خصوص می فرمایند: «یک اقدام اساسی در زمینه پیشرفت..... مسئله ی مبارزه با اسراف، حرکت در سمت اصلاح الگوی مصرف، جلوگیری از ولخرجی ها و تضييع اموال جامعه است و این مسئله بسیار مهمی است..... لازم است به عنوان یک سیاست، ما مسئله ی صرفه جویی را در خطوط اساسی برنامه ریزی هایمان و در سطوح مختلف اعمال کنیم. اسراف در اموال و در اقتصاد این است که انسان مال را مصرف کند، بدون اینکه مصرف اثر و کارایی داشته باشد. مصرف بیهوده و مصرف هرز، در حقیقت هدر دادن مال است و جامعه ی ما باید این مطلب را به عنوان یک شعار همیشگی در مقابل داشته باشد، چون وضع جامعه ما از لحاظ مصرف، وضع خوبی نیست.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱/۱/۱) نوع مصرف، چگونگی مصرف و به طور کلی آداب مصرف کردن و پرهیز از امور تجملاتی و اسراف کردن، یک امر فرهنگی است و ریشه در فرهنگ یک جامعه داد و به همین خاطر برای ایجاد زمینه های مناسب مصرف و دوری از مصرف زدگی، باید زمینه های مناسب فرهنگی و اصلاحات فرهنگی را مد نظر قرار داد. البته باید توجه داشت که مصرف در فرهنگ اسلامی دارای ابعاد مختلفی است که می توان به حق مصرف، چگونگی مصرف، نوع مصرف، سطح مصرف، مقدار مصرف، انگیزه های مصرف و مواردی از این دست اشاره کرد. (حاجی صادقی، ۱۳۸۸: ۲۱-۲۰)

از آنجایی که فرهنگ اسلامی به مثابه روح الگوی پیشرفت دارای کارکردها و الزامات زیادی است و ارزش ها در این الگوها حاکم هستند، ضرورت طراحی الگوی مصرف مطلوب مطرح می شود زیرا مصرف ناصحیح، یک ضد ارزش محسوب می شود و باید تجمل گرایی ها مدیریت گردد.

۵-۷. امنیت فرهنگی و اجتماعی:

امنیت فرهنگی و اجتماعی از دیگر ابعاد امنیت است که وجود آن برای رشد و تعالی اجتماع- پیشرفت مطلوب- لازم و ضروری است. جامعه ای که در آن هرج و مرج حاکم است و رعایت قانون در دستور کار مردم و در اجتماع قرار ندارد، روی امنیت را نخواهد دید.

میدان داری بزه کاران و هنجار شکنان در اجتماع و مرعوب نبودن آنان از قدرت متولیان و مجریان قانون، جای امنیت و آرامش مردم را تنگ خواهد کرد و زمینه رشد اقتصادی را از بین خواهد برد.

درگیری و اختلاف مسئولان با یکدیگر، از جمله آسیب های امنیت اجتماعی است. در چنین وضعیتی، توان مسئولان جامعه برای نزاع و درگیری با یکدیگر صرف می شود و آنان فراغت و فرصت کافی برای پرداختن به مشکلات مردم و جامعه را ندارند. (عزیزانی، ۱۳۹۰: ۵۶)

در کنار امنیت اجتماعی باید امنیت فرهنگی هم تامین گردد. به این معنا که از فرهنگ و ارزش های غنی، اصیل ایرانی و اسلامی باید در قبال تهدیدات و آسیب های داخلی و خارجی صیانت به عمل بیاید. امروزه تهاجم فرهنگی و جنگ نرم، فرهنگ اسلامی- ایرانی را نشانه گرفته اند که در مقابل این جریان باید تهدید زدایی فرهنگی انجام داد و به فکر پایدارسازی فرهنگی و امنیت فرهنگ اسلامی و ایرانی بود.

اهمیت امنیت فرهنگی و اجتماعی به حدی است که مقام معظم رهبری می فرمایند: «اگر امنیت- اجتماع و فرهنگی- نباشد، فعالیت اقتصادی هم دیگر نخواهد بود. اگر امنیت نباشد، عدالت اجتماعی نخواهد بود. اگر امنیت نباشد، دانش و پیشرفت علمی هم نخواهد بود. اگر امنیت نباشد، همه ی رشته های یک مملکت به تدریج از هم گسسته خواهد شد. لذا امنیت، پایه و اساس است.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۱/۶) ۵-۸. رواج خلیات مثبت و همسو با فرهنگ اسلامی ایرانی:

از آنجایی که دو فرهنگ اسلامی و ایرانی در این الگو دارای اهمیت هستند پس باید خلیات مثبت در این دو فرهنگ را شناسایی کرد. مقام معظم رهبری در خصوص خلیات مثبت و بهره گیری از آنها می فرمایند: «عموم خلیات مثبتی که یک ملت را از حلیض بیکاری، فقر، ذلت و عقب ماندگی بیرون می کشد و به اوج پیشرفت مادی می رساند، در اسلام مورد توصیه ی موکد قرار گرفته است و هر کس به مفاهیم اسلامی مراجعه کند، این را تصدیق خواهد کرد. در واقع همین خصوصیات و خلیات مثبتی که امروز کمبودش را در میان ملت خودمان نیز احساس می کنیم، ناشی از همین بی توجهی به معارف اسلامی است، زیرا همان روزی که در داخل کشور ما حرکت روشنفکری به وجود آمد و عده ای احساس کردند باید به غربیان رو کنند، و از آنها یاد بگیرند، متأسفانه با بی توجهی به معارف اسلامی، این نقاط مثبت را یاد نگرفتند.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۴/۴/۱۹). این نقاط اخلاقی که ریشه در فرهنگ اسلامی دارد یکی از زمینه های اصلی پیشرفت جوامع می باشد. «اگر بتوانیم اخلاق را اسلامی می کنیم، فرهنگ را اسلامی می کنیم، مردم را با خلیات اسلامی پرورش دهیم و صفاتی که در صدر اسلام، از یک جماعت کوچک، یک ملت عظیم و مقتدر درست کرد، در ملتمان زنده کنیم، همین ها بزرگترین دستاوردها است. باید توجه داشت که آنچه در آغاز از پیشرفت و ترقی برای انسان ها به وجود آمد ناشی از همین فرهنگ اسلامی بود.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۴/۴/۱۹) بنابراین شناسایی خلیات مثبت موجود در فرهنگ و هویت اسلامی ضروری است، همانگونه که آمده است: «شاخص های هویت اسلامی بایستی معلوم شود: شاخص عدالت طلبی، شاخص ساده زیستی مسئولان، شاخص کار و تلاش مخلصانه، شاخص طلب و پویایی علمی بی وقفه، شاخص ایستادگی قاطع در مقابل طمع ورزی و سلطه بیگانگان، شاخص دفاع از حقوق ملی.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۹/۲۴) به طور کلی شاخص ها و خلیات مثبت زیادی قابل بازبایی از فرهنگ اسلامی و ایرانی است که هر کدام ظرفیت های زیادی برای پیشرفت محسوب می شوند، البته باید علاوه بر شناسایی آنها، به فکر عملیاتی کردن و شیوه های اجرای آن در سطح ملی بود.

موارد فوق تعدادی اندک از الزامات فرهنگی الگوی پیشرفت می باشد و می توان به موردهایی همچون؛ ساده زیستی، گسترش ترین در جامعه، دوری از اشرافی گری، پاکدامنی، عدالت طلبی، صداقت و صراحت، برنامه ریزی فرهنگی، آرامان خواهی و اصول خواهی، تحریض به خدمت رسانی، انضباط محوری، امنیت داری، گسترش بینش دینی در جوانان و درونی سازی ارزش ها و غیره اشاره کرد.

نتیجه گیری:

اتخاذ رویکردها و الگوهای توسعه متنوع در ایران و عدم کارایی همه جانبه آنها، تدوین الگوی بومی پیشرفت برای ایران را ضروری ساخت. ویژگی هایی چون؛ بی عدالتی، رواج بی بند و باری، وضعیت نابسامان زنان و مردان، انسان گرایی صرف و توجه به ابعاد مادی انسان، رفاه زدگی و تجمل گرایی و دوری از معنویات

به عنوان آسیب‌های جدی الگوهای غربیتوسعه بودند که زمینه را برای طراحی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت مهیا کردند. الگویی که ایرانی است؛ یعنی براساس مقتضیات فرهنگی و جغرافیایی و در عین حال نخبگان ایرانی طراحی شده است. این الگو در عین حال، اسلامی است و آموزه‌های اسلام ناب محمدی در آن پیاده شده است و دارای ابعاد مختلفی از پیشرفت در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است. این الگو برای اجرایی شدن به یک سلسله الزاماتی در عرصه‌های گوناگون وابسته است که در آن میان، الزامات فرهنگی برای پیاده‌سازی این الگو از اهمیت برخوردار هستند. برخی زمینه‌ها و شرایطی که برای تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ضروری است عبارتند از:

نهی بی‌اعتمادی و خودباوری،
رواج خلیقات مثبت موجود در فرهنگ‌های اسلامی و ایرانی،
احیای ارزش‌های اسلامی،
ایجاد امنیت فرهنگی و اجتماعی،
کاهش دادن سطح فساد در جامعه،
گسترش خودباوری و اعتماد به نفس،
فرهنگ کار جهادی روحیه مسئولیت‌پذیری،
فرهنگ صحیح مصرف و پرهیز از تجمل‌گرایی.

منابع:

- آکوچیان، عبدالحمید (۱۳۹۰): «بازخوانی عقلانیت معطوف به پیشرفت، مهندسی کلام دینی در تحقق یک متاپارادایم»، در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، جلد ۱، تهران، پیام عدالت.
- بنیانیان، حسن (۱۳۸۹): محورهای یک الگوی اسلامی ایرانی برای پیشرفت، به نقل از خبرگزاری خبر آنلاین، ۱۰ دی ماه.
- حاجی صادقی، عبدالله (۱۳۸۸): اصول الگوی مصرف اسلامی، قم، انتشارات زمزم هدایت.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۰): الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تهران، مرکز مطالعات و پژوهش‌های سازمان بسیج دانشجویی.
- سلیمی فر، مصطفی (۱۳۹۰): «مقدمه‌ای بر الگوی توسعه اسلامی ایرانی»، در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، جلد ۱، تهران، پیام عدالت.
- سیاهپوش، امیر (۱۳۹۰): الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی، تهران، آفتاب توسعه.
- طالبی، ابوطالب (۱۳۹۰): «تجدد، سنت‌گرایی و احیاء‌گری»، مجموعه مقالات دومین کنگره بین‌المللی امام خمینی (ره) و احیاء تفکر دینی، جلد ۴، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- عزیزیان، مهدی (۱۳۹۰): جهاد اقتصادی؛ الزامات، عوامل و موانع، قم، انتشارات زمزم هدایت.
- علاسوند، فریبا (۱۳۹۰): «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ ضرورت‌ها و موانع»، در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، جلد ۱، تهران، پیام عدالت.
- علی احمدی، علیرضا (۱۳۹۰): پیش‌طرح‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تهران، انتشارات تولید دانش.
- قربان‌نیا، ناصر (۱۳۹۰): «عدالت پیش شرط پیشرفت و سعادت اجتماعی»، در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، جلد ۱، تهران، پیام عدالت.

- قربی، سیدمحمدجواد(۱۳۹۱): «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الزامات دفاعی و جنبه های امنیتی»، ماهنامه اطلاعات راهبردی، اردیبهشت ماه.
- قربی، سیدمحمدجواد(۱۳۹۱): «توامانی عدالت و پیشرفت در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت»، کتاب خلاصه آثار نخستین کنگره پیشگامان پیشرفت، تهران: لواسان، سوم و چهارم دی ماه.
- مشکات، محمد(۱۳۹۰): «ضرورت تاملی در مبانی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، جلد ۱، تهران، پیام عدالت.
- مصباحی مقدم، غلامرضا(۱۳۹۰): «گامی به سوی تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، جلد ۱، تهران، پیام عدالت.
- مقام معظم رهبری(۱۳۷۴/۱/۱): بیانات به مناسبت نوروز وعید سعید باستانی.
- مقام معظم رهبری(۱۳۸۸/۱/۱): بیانات در جمع زائران و مجاوران حرم مطهر امام رضا(ع).
- مقام معظم رهبری(۱۳۸۸/۱/۱): بیانات در جمع زائران و مجاوران حرم مطهر امام رضا(ع).
- مقام معظم رهبری(۱۳۶۹/۶/۱): بیانات در دیدار گروه کثیری از آزادگان و جانبازان.
- مقام معظم رهبری(۱۳۸۹/۹/۱۰): بیانات در دیدار اولین نشست اندیشه های راهبردی.
- مقام معظم رهبری(۱۳۸۰/۵/۱۱): بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری آقای خاتمی.
- مقام معظم رهبری(۱۳۷۲/۵/۱۲): بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی.
- مقام معظم رهبری(۱۳۸۲/۱۰/۱۴): بیانات در دیدار با جهادگران و کشاورزان.
- مقام معظم رهبری(۱۳۸۷/۳/۱۴): بیانات در نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره).
- مقام معظم رهبری(۱۳۷۲/۶/۱۴): بیانات در دیدار مسئولان و مردم در روز ولادت پیامبر اکرو(ص) و امام صادق(ع).
- مقام معظم رهبری(۱۳۶۸/۱۱/۱۹): دیدار با کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران.
- مقام معظم رهبری(۱۳۷۴/۴/۱۹): بیانات در دیدار با وزیران و مسئولان وزارت ارشاد و اعضای شوراهای عمومی در کشور.
- مقام معظم رهبری(۱۳۶۹/۹/۱۹): بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- مقام معظم رهبری(۱۳۸۵/۸/۲۰): بیانات در دیدار با مردم شاهرود.
- مقام معظم رهبری(۱۳۸۳/۳/۲۱): سخنرانی در جمع طلاب و اساتید مدرسه علمیه آیت الله مجتهدی.
- مقام معظم رهبری(۱۳۸۷/۹/۲۴): بیانات در دیدار با اعضاء و دانشجویان دانشگاه علم و صنعت.
- مقام معظم رهبری(۱۳۸۸/۲/۲۷): سخنرانی در جمع دانشجویان دانشگاه کردستان.
- مقام معظم رهبری(۱۳۸۳/۲/۲۸): بیانات در جمع اعضاء و کارکنان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
- مقام معظم رهبری(۱۳۷۰/۱/۲۹): بیانات در جمع زائران حرم مطهر امام رضا(ع).
- مقام معظم رهبری(۱۳۸۱/۶/۴): بیانات در دیدار اعضای دولت.
- مقام معظم رهبری(۱۳۷۹/۱/۶): بیانات در جمع زائران و مجاوران حرم مطهر امام رضا(ع).
- مقام معظم رهبری(۱۳۷۳/۳/۸): بیانات در دیدار کارگزاران در روز عید غدیر.
- مقام معظم رهبری(۱۳۷۵/۶/۸): بیانات در دیدار اعضای دولت.
- موسوی، سیدصدرالدین و سید محمد جواد قربی(۱۳۹۱): «بررسی نخبگان در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت؛ ویژگی و کارکردها»، چکیده مقالات نخستین کنفرانس الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت؛ نقشه راه، طراحی و تدوین الگو، تهران، کتابخانه ملی ایران، دهم و یازدهم خردادماه.
- موسوی پور، میثم و محمدتقی کرامتی(۱۳۸۴): منشور دولت اسلامی، قم، انتشارات همای غدیر.

دومین کتفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: مفاهیم، مبانی و ارکان پیشرفت؛ اردیبهشت ۱۳۹۲

میرمعزی، سیدحسین (۱۳۹۰): «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت محصول اسلامی سازی علوم انسانی»، در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، جلد ۱، تهران، پیام عدالت.

نصراللهی، زهرا (۱۳۹۰): «ضرورت تدوین الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت؛ موانع و سازکارها»، در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، جلد ۱، تهران، پیام عدالت.